آینه

مردم سالاری

سرمقاله: «چرایی واکنش افراطیون به نامه خاتمی»؛ مرتضی رضایی

با نگاشته‌شدن نامه جناب خاتمی برای رهبر انقلاب و آرزوی طول عمر و سلامتی برای ایشان، موجی از هجمه و جنگ روانی علیه ایشان توسط افراطیون ضد اصلاحات به راه افتاد... تمامی کنش‌های آقای خاتمی در طول سالیان گذشته و به‌ویژه از سال۸۸ به این‌سو، برای کم‌کردن و کاهش شکاف ملت و دولت بوده است. نگاشتن این نامه به رهبری و تلطیف فضای سیاسی-اجتماعی نیز بر مبنای همین هدف بنیادین و استراتژیک صورت گرفته است. در حالی که جریانات تندرو و افراطی به‌صورت شبانه‌روزی مشغول تعمیق این شکاف هستند... ادبیات امنیتی طرف مقابل حکایت از آن دارد که... برای این جریانات امکان انتقال از فاز امنیتی به سیاسی-مدنی ممکن نیست. چراکه تنها با استراتژی اصلاحات‌هراسی می‌توانند بخش‌های درونی قدرت را علیه مخالفان و منتقدان و رقبای مدنی خویش بشورانند و آنان را از صحنه حذف نمایند... در میانه این نگرش‌ها، نامه آقای خاتمی نه‌تنها حکایت از ادب جناب ایشان می‌کند، بلکه نشان از موقعیت‌شناسی خاصی دارد که بلوغ او را به نمایش می‌گذارد. این کنش درست در میانه هجمه‌های همه‌جانبه صورت می‌گیرد تا نقشه‌های افراطیون برای جداکردن روزافزون بخشی از نخبگان و حامیان اجتماعی آنان از نظام و رهبری غیرممکن شود.

ایران

«تمام ۳۷۰۰نفر بدون آزمون وارد مرحله دکترا شدند»

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اعلام کرد هر سه‌هزارو۷۰۰نفرذکرشده در پرونده بورسیه‌های غیرقانونی بدون طی آزمون وارد مرحله دکترا شده بودند. حجت‌الله درویش‌پور نماینده ایذه و باغملک به ایلنا گفت: بسیاری از این افراد علاوه بر طی‌نکردن مرحله آزمون بر اساس ضوابط و دستورالعمل‌هایی که وزارت علوم وقت اعلام کرده بوده نیز پذیرفته نشده‌اند.

کیهان

سرمقاله: «مهندسی معکوس آمریکا در سرزمین مقاومت!»؛ سعدالله زارعی

درباره تحرکات اخیر آمریکا که تحت عنوان «مهار داعش»! صورت می‌گیرد، یک سوال کلیدی ذهن‌ها را به خود معطوف کرده است: آمریکا دنبال چیست؟ ... تلاش آمریکا برای تجهیز و ساماندهی نظامی-امنیتی گروه‌هایی از اهل سنت عراق و اعلام رسمی اینکه همه‌گونه حمایت را از آنان به عمل می‌آورد درواقع می‌تواند به ساماندهی یگانه‌ای وابسته و تحت امر آمریکا منجر شود و روند فعلی که دولت‌های سنی منطقه- شامل عربستان و ترکیه- را به‌شدت نگران کرده است را تبدیل به نگرانی دولت‌های مقاومت- شامل عراق و ایران- نماید. آمریکایی‌ها با دامن‌زدن به اختلافات بین اهل سنت و شیعیان تلاش می‌کنند تا درگیری داعش علیه دولت‌های بغداد و سوریه را که در حال فروکش‌کردن و به‌پایان‌رسیدن است، در شکلی گسترده‌تر، به‌شکل درگیری بین مذاهب اسلامی درآورند. از این رو جهان اسلام باید با هوشمندی بیشتر به صحنه تحولات منطقه نگاه کند.

رسالت

سرمقاله: «شکست ۱+۵ در آزمون اعتمادسازی »؛ حنیف غفاری

واقعیت امر این است که غرب پس از یک‌سال مذاکره و دیدار و گفت‌وگو، به نقطه صفر و بلکه قبل‌تر بازگشته است. مقامات آمریکایی در طی یک‌سال اخیر فرصت‌های اعتمادسازی را از دست داده و به ادامه تقابل خود با نظام و ملت ایران پرداختند. مذاکرات هسته‌ای ایران و اعضای ۱+۵ در ابعاد فنی و کارشناسی مدت‌هاست به پایان رسیده است. همگان به یاد دارند که در جریان مذاکرات وین ۴، که نقطه اوج کارشکنی هسته‌ای آمریکا محسوب می‌شد، چگونه با طرح مطالباتی غیرمنطقی و غیرواقع‌بینانه مانع از آغاز و تدوین پیش‌نویس توافقنامه نهایی میان ایران و اعضای ۱+۵ شد. در این میان سه کشور اروپایی یعنی انگلیس، آلمان و فرانسه نیز به‌طور کامل در زمین واشنگتن بازی کرده و در نهایت تسلیم اوامر جان کری و همراهانش در مذاکرات وین شدند. البته در اینجا نگارنده نمی‌تواند نقش منفعلانه چین و روسیه را نیز نادیده انگارد.

جوان

یادداشت: «صداقت آمریکایی!»؛ یدالله جوانی

شاید برای برخی از افراد و گروه‌های سیاسی داخلی، مواضع صریح و قاطع حضرت امام(ره) و مقام‌معظم‌رهبری درخصوص آمریکا قابل درک و فهم نباشد... صداقت‌نداشتن آمریکایی‌ها در برخورد با دیگران، در همین موضوع تشکیل ائتلاف علیه داعش با روشنگری‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیش از پیش آشکار شد... رهبر معظم انقلاب اسلامی، روز دوشنبه ۲۴شهریور... پشت‌پرده دروغگویی‌ها و بی‌صداقتی آمریکایی‌ها را اینگونه برملا ساختند: «در همان روزهای سخت حمله داعش به عراق، سفیر آمریکا در عراق طی درخواستی از سفیر ما در عراق می‌خواهد که ایران و آمریکا جلسه‌ای برای مذاکره و هماهنگی درخصوص داعش داشته باشند. سفیر ما این موضوع را به داخل کشور منعکس کرد که برخی مسوولان هم با این جلسه مخالفتی نداشتند، اما من مخالفت کردم و گفتم در این قضیه ما با آمریکایی‌ها همراهی نمی‌کنیم، زیرا آنها نیت و دست‌های آلوده‌ای دارند و چگونه امکان دارد که در چنین شرایطی ما با آمریکایی‌ها همکاری کنیم»... ما دروغگویی‌ها و بی‌صداقتی آمریکایی‌ها حد ندارد، آنها پس از روشنگری‌های مقام معظم رهبری باز رو به تکذیب‌های نخنما شده آوردند، اما غافل از اینکه هر دروغ آنان، ملت ایران و رهبران ایران را برای اعتمادنکردن به آمریکایی‌ها به‌خاطر نداشتن صداقت، مصمم‌تر از قبل می‌نماید.

سیدمحمد خاتمی:

صاحبان هویت بسته، سخن نمی‌گویند، حذف می‌کنند

عکس: عباس کوثری، شرق

روابط‌عمومی دفتر سیدمحمد خاتمی: رییس موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، گفت: «وقتی اساس رابطه خشونت شد، زمین به جهنم مبدل می‌شود؛ چنانکه امروز به جهنم تبدیل‌شده است. صاحبان عالم و هویت بسته، دین، هنر، اندیشه و همه دستاوردها و پدیده‌های مهم الهی و انسانی را در خدمت اوهام یا منافع خویش می‌گیرند.»

حجت‌الاسلام‌والمسلمین «سیدمحمد خاتمی» در هفتادونهمین نشست ماهانه بنیادباران که به مناسبت سالگرد طرح گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در محل دایرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار می‌شد، گفت: «وجه بسیار بارز امتیاز و تمایز انسان از سایر موجودات، تکلم است؛ البته به‌جز انسان، خدا هم متکلم است. کائنات کلام خداست. حضرت عیسی‌مسیح(س) کلام خدا و کلمةالله است. همچنین در تعبیرات دینی ما به حضرت‌بقیةالله، تامه یعنی کلمه کامل پروردگار گفته شده است.»«سیدمحمد خاتمی» که سخنان خود را با اشعاری از مثنوی معنوی مولانا آغاز کرده بود، افزود: «کسی که از گفت‌وگو صحبت می‌کند، اولا به حرمت و اهمیت کلام ایمان دارد. ثانیا از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است، می‌داند که مهم‌ترین وسیله ارتباط که قوام جامعه به آن است، کلام و گفت‌وگوست. وقتی سخن از گفت‌وگو می‌شود سخن از من و دیگری و ما و دیگران است. این من و ما و آن دیگر و دیگران هرکدام عالمی دارند. در صورتی گفت‌وگو میسر و ممکن است که این عالم‌ها به روی هم گشوده باشند.»

سیدمحمد خاتمی با بیان اینکه «صاحبان عالم‌ها و هویت‌های بسته، اهل گفت‌وگو نیستند»، ادامه داد: «صاحبان هویت‌های بسته نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند. اگر هم سخنی بگویند، سخن یکدیگر را نمی‌فهمند، یا آنگونه می‌فهمند که خود می‌پندارند و می‌خواهند. گفت‌وگو به کسانی تعلق دارد که دارای عالمی باز و گشوده باشند. برای برقراری ارتباط باید عالم آنها به روی دیگران گشوده باشد.»رییس‌جمهوری پیشین ایران افزود: «صاحبان هویت و عالم بسته، تک‌گو هستند؛ چراکه دیگری را نفی و حذف می‌کنند. آنچه را می‌بینند و می‌دانند اوهام سنگواره‌شده آنهاست، یا منافعی است که در تضاد با منافع دیگران تعریف می‌شود. آنها سخن نمی‌گویند، حذف می‌کنند. اگر قدرت دارند سرکوب و اشغال می‌کنند و به بردگی می‌کشند. اگر قدرت کمتری دارند، ترور می‌کنند. خشونت از اینجا زاده می‌شود.»خاتمی تاکید کرد: «وقتی اساس رابطه خشونت شد، زمین به جهنم مبدل می‌شود؛ چنانکه امروز شده است. صاحبان عالم و هویت بسته، دین، هنر، اندیشه و همه دستاوردها و پدیده‌های مهم الهی و انسانی را در خدمت اوهام یا منافع خویش می‌گیرند. امروز وقتی صحبت از گفت‌وگوی تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و دین‌ها می‌شود، باید بپرسیم چه کسانی دین‌ها، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را نمایندگی می‌کنند، چه کسانی می‌توانند این نمایندگی را داشته باشند و چه کسانی می‌توانند گفت‌وگو کنند.»

«سیدمحمد خاتمی» با نام‌بردن از «داعش»، «صهیونیسم» و «نومحافظه‌کاران غربی» به‌عنوان «گروه‌هایی که اهل گفت‌وگو نیستند و صلاحیت نمایندگی ادیان خود را ندارند»، افزود: «صهیونیسم، نماینده و سخنگوی دین یهود نیست. داعش نماینده و سخنگوی تمدن اسلامی و مسلمانان نیست؛ چنانکه نومحافظه‌کاران نماینده تمدن غرب و فرهنگ مسیحیت نیستند. طبیعی است که در این عرصه هنرمندان، متألهان، اندیشمندان و متفکران «گشاده‌عالم» و صاحب عالم گشوده هستند که می‌توانند گفت‌وگو کرده و نمایندگی ادیان و فرهنگ‌ها را داشته باشند. گفت‌وگوی تمدن‌ها هم مورد اهتمام و توجه این بخش جامعه‌بشری قرار گرفت.»سیدمحمد خاتمی ادامه داد: «گرچه، چون وجدان بشر امروز این را می‌خواست، بسیاری از سیاستمداران هم که اهل گفت‌وگو نیستند به ناچار گفت‌وگوی تمدن‌ها را تایید کردند؛ ولی در عمل، قدرتمداران و سیاستمداران به جنگ دامن‌زدند. آنچه که بعد از ۱۱سپتامبر پیش آمده است، خود حجت موجهی است بر اصالت و درستی گفت‌وگو و نیاز جامعه بشری به آن.»

او در پایان افزود: «امروز بیش از پیش، هم نیاز جامعه‌بشری و هم لزوم گفت‌وگو برای رهایی از وضعیت فعلی قابل‌بحث است. به‌نظر من، وجدان بشری امروز بیش از گذشته مشتاق گفت‌وگوست و از خشونت، ناامنی و تحقیر انسان بیش از گذشته به ستوه آمده است. اگر بشر دقت کند و ما بتوانیم توضیح بیشتری بدهیم، به این نتیجه خواهد رسید، یا به نتیجه‌ای که رسیده است بیشتر ایمان خواهد آورد که زمان را باید با گفت‌وگوی معطوف به تفاهم تلطیف کرده، از خشونت آن کاسته و با طرح و دامن‌زدن به گفت‌وگو، سیاستمداران قدرتمدار و خودپرست را یا از صحنه بیرون کرده، یا به انزوا کشاند یا دست‌کم آنها را وادار کند به حقیقت و زیبایی تن دهند.»

رضوی‌یزدی:

خبر راه‌ندادن خاتمی به بیمارستان صحت ندارد

ایلنا: عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز با بیان اینکه نامه این تشکل به رهبری در مورد سلامت ایشان انعکاس خوبی داشته است، گفت: «شایعه راه‌ندادن خاتمی به بیمارستان محل بستری رهبری صحت ندارد.»حجت‌الاسلام سیدمحمد رضوی‌یزدی، درخصوص جلسه اخیر شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز گفت: «این جلسه شب دوشنبه و به ریاست سیدمحمد خاتمی برگزار شد.»او با اشاره به نامه مجمع روحانیون مبارز به مقام‌معظم‌رهبری گفت: «مجمع روحانیون مبارز مصوب کرده بود تا خدمت رهبری پیامی به مناسبت سالمتی‌شان بدهد و با امضای آقای خاتمی باشد چراکه آقای خاتمی علاقه‌مند بودند این نامه با امضای خودشان باشد.»عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز با تاکید بر اینکه این نامه انعکاس خوبی داشته است، گفت: «این نامه می‌تواند حرکت بسیار خوبی در فضای سیاسی کشور باشد. البته مشاهده کردیم که برخی از افراد نیز خواستند این حرکت را تخطئه و ایرادگیری‌هایی کنند اما ایرادات قابل‌توجهی نبود و نتوانست اصل کار را به حاشیه براند.»رضوی‌یزدی در پاسخ به این سوال که برخی از رسانه‌های اقتدارگرا شایعه کرده‌اند که آقای خاتمی به بیمارستان محل بستری رهبری رفته اما وی را راه نداده‌اند؟ گفت: «این مساله به‌هیچ‌وجه صحت ندارد.»

یک‌روز پس از هاشمی، مصباح هم خاطره منتشر کرد

جدال خاطره‌ها

شرق، مهدی قدیمی: نقل خاطره آیت‌الله هاشمی از دوران مبارزه با رژیم شاه، اگرچه بدون اشاره به‌نام فردی خاص منتشر شد، اما ضمیر، مرجع خود را یافت و روز گذشته، دفتر آیت‌الله مصباح‌یزدی با انتشار بخش‌های منتشرنشده‌ای از سخنان این روحانی سرشناس قم، هم ماجرای دیدار مورداشاره هاشمی را به روایت مصباح منتشر کرد و هم بار دیگر ماجرای اسلامگرایان چپگرا و انقلابی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ایران را به صدر اخبار آورد. ماجرا از آنجا آغاز شد که سایت آیت‌الله هاشمی، سه‌شنبه، حاشیه‌های دیدار رییس مجمع‌تشخیص‌مصلحت‌نظام و خانواده شهید قدوسی را منتشر کرد؛ دیداری که در آن، هاشمی با نقل خاطره‌ای از سال۴۸ گفته بود: «دونفری -به‌اتفاق آقای خامنه‌ای- صبحانه رفتیم منزل آقای قدوسی. این آقا هم آنجا بود. نشستیم تا ظهر با او بحث کردیم تا قانعش کنیم برای ادامه مبارزه. آخرش هم گفت من مبارزه با شاه را حرام می‌دانم! آقای خامنه‌ای از او پرسیدند: دلیلت چیه؟ آن آقا در جواب گفته بود: مبارزه‌ای که مجاهدین و چپی‌ها در آن باشند، حرام است! آقای خامنه‌ای هم به تلخی به او گفته بود: اگر اهل مبارزه نیستی، خب مبارزه نکن ولی لااقل مبارزه را با این حرف‌ها خراب نکن! ... از کم‌فروشی این آقا، کار به‌جایی رسید که رهبری ۱۰سال - تا ابتدای انقلاب - با او قهر بودند.»

مجاهدین یا منافقین؟

بیان این جملات کافی بود تا روز گذشته، سایت دفتر آیت‌الله مصباح، بخش‌های منتشرنشده‌ای از صحبت‌های مصباح با مرحوم عسگراولادی را منتشر کند؛ سخنانی که به نوشته دفتر مصباح، یازدهم آبان‌ماه سال ۹۰ و در جریان ملاقات عسگراولادی با او بیان شده و در میان این صحبت‌ها، مصباح با اشاره به مبارزات پیش از انقلاب گفته: «پیش از پیروزی انقلاب، مقام‌معظم‌رهبری و آقای هاشمی‌رفسنجانی توسط آقای قدوسی وقتی تعیین کردند که برای صبحانه به منزل ما تشریف می‌آورند. در آن جلسه صبحانه غیر از این دو بزرگوار، شخص دیگری نبود. آقای هاشمی عنان سخن را به دست گرفتند و از اینجا شروع کردند که ما سال‌ها با هم همکاری‌های فرهنگی و سیاسی داشتیم، اما مدتی است که تو کنار کشیدی و با ما نیستی... مساله شریعتی و شهید جاوید و... را باید کنار گذاشت. حتی ما با مارکسیست‌ها باید اتحاد داشته باشیم! ما باید با تمام گروه‌هایی که ضد امپریالیسم هستند از مارکسیست‌ها، مجاهدین، طرفداران شریعتی تا طرفداران صالحی نجف‌آبادی و دیگران اتحاد داشته باشیم و مخالفت را کنار بگذاریم و فقط با امپریالیسم مبارزه کنیم! گفتم: مطرح‌کردن صالحی که دیگر معنا ندارد، ولی از من چه می‌خواهید و پیشنهادتان چیست؟ گفتند: بیا و با مجاهدین همکاری کن!... گفتند: نماز شبشان ترک نمی‌شود، ماهانه ۱۲هزارتومان حقوق می‌گیرند و از این مقدار فقط ۵۰۰تومانش را مصرف و بقیه‌اش را صرف مبارزه می‌کنند، چنینند و چنانند. گفتم: همه اینها را که فرمودید درست است، اما برای شما حجت است و برای من حجت نیست. من تا کسی را نشناسم که برای اسلام کار می‌کند، با او همکاری نمی‌کنم. از اول تا آخر این گفت‌وگو مقام‌معظم‌رهبری هم نشسته بودند و هیچ نمی‌گفتند و فقط صحبت‌های آقای هاشمی بود و جواب‌های بنده. پس از این گفت‌وگو آقای هاشمی با ناراحتی منزل ما را ترک کردند و رفتند.»

اما در ادامه این روایت از قول مصباح روی مساله کمک هاشمی به سازمانی که در بدو تاسیس و تا قبل از تغییر ایدئولوژی، با عنوان «مجاهدین خلق» شناخته می‌شد تاکید شده و آمده است: «کمک‌های آقای هاشمی به منافقین را نیز نباید فراموش کرد. چه پول‌هایی که به آنها داد. در حال حاضر هم نمی‌گویم که آنها کار بدی کردند. شاید وظیفه‌شان در آن شرایط همان بود، اما من چون حجتی نداشتم، مشارکت نکردم.» استفاده مصباح از لفظ «منافقین» برای سازمانی که هاشمی به آن کمک می‌کرده، نکته‌ای است که رجوع به اسناد تاریخی صحت آن را با تردید مواجه می‌کند.

از چپ اسلامی تا مارکسیست

جریان روحانیت انقلابی، سال‌های مبارزه و ارتباط آنها با گروه‌های چپگرای اسلامی، ماجرایی است که رد آن در لابه‌لای خاطرات روحانیونی همچون شهید بهشتی، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری به چشم می‌خورد و هاشمی‌رفسنجانی هم در نامه خود به امام‌خمینی(ره) در شهریورماه ۱۳۵۰ آن را مورد تاکید قرار داده بود. هاشمی در آن نامه، از مجاهدین به عنوان «جوانان مسلمان تحصیل‌کرده، فداکار، مومن، پاک، متعبد و آشنا به معارف اسلامی و جهان بینی اسلام و صددرصد مذهبی» (۱۰) یاد کرده بود. اما پس از آنکه کادر رهبری اولیه این سازمان بازداشت شدند و در سال ۵۴، از سوی حلقه بعدی رهبران، تغییرات ایدئولوژیک و پذیرش مشی مارکسیستی در دستور کار قرار گرفت، جدایی روحانیت از این سازمان نیز آغاز و حمایت‌های مادی و معنوی انقلابیون از مجاهدین مارکسیست‌شده، قطع شد. بنابر آنچه که در اسناد تاریخی مربوط به این مقطع زمانی آمده، طیف جدید رهبران سازمان برای اعلام تغییرات ایدئولوژیک و درخواست ادامه کمک‌ها، به‌سراغ روحانیون سرشناس حامی حلقه اول مجاهدین رفته‌اند. به روایت «بهرام آرام» و «تقی شهرام» که رهبران جدید و مارکسیست سازمان بودند، «آیت‌الله طالقانی، دکتر بهشتی، حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی و حجت‌الاسلام لاهوتی از روحانیونی بودند که سازمان قصد داشت با آنان در این زمینه تماس بگیرد.» در این بین ملاقات تقی شهرام با آیت‌الله طالقانی و مخالفت آیت‌الله با اتخاذ مشی مارکسیستی و ادامه استفاده از نام سازمان مجاهدین، با تهدیدبه‌قتل طالقانی از سوی شهرام و پاسخ قاطع «پدر معنوی» نسل اول مجاهدین همراه می‌شود و دیدار بهرام آرام با هاشمی‌رفسنجانی نیز، در خاطرات رییس مجمع‌تشخیص‌مصلحت‌نظام، این‌گونه روایت شده است: «در آستانه سفر به خارج از کشور (در بهار ۱۳۵۴) وقتی بحث طولانی شد، او (بهرام آرام) که با بی‌ادبی و ژست قهرمانی خاصی درمقابل من نشسته بود و حرف می‌زد، گفت: مگر ما با شاه مبارزه نمی‌کنیم؟ من گفتم: بله. گفت: پس ما یک‌نقطه مشترک داریم، به‌خاطر آن نباید کمک به ما را قطع کنید! در اینجا من گفتم: ما با شاه مبارزه می‌کنیم تا خدا را جایگزین کنیم، شما می‌خواهید استالین را به جای شاه بنشانید. ما به مبارزه‌ای که نتیجه آن نشستن استالین به جای شاه باشد، کمک نمی‌کنیم.»

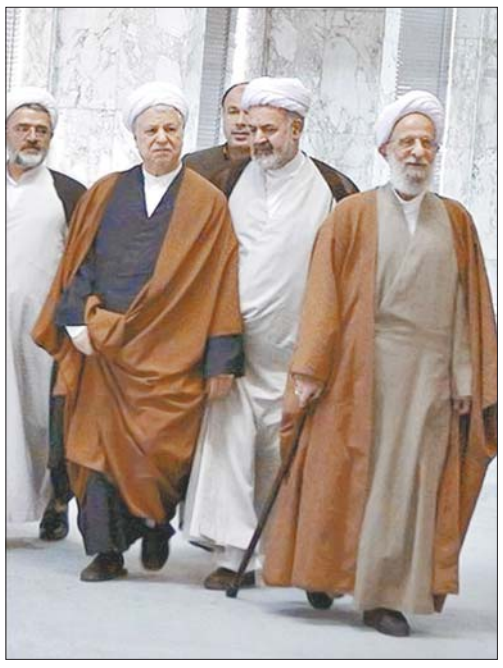

مغایرت‌های دو روایت

به این ترتیب، علاوه بر تفاوت‌های روایت مصباح و هاشمی درباره جزییات دیدار، که یکی معتقد به انجام آن در منزل شهید قدوسی و دیگری معتقد به انجام دیدار در بیت مصباح است و به روایت اول، مقام‌معظم‌رهبری بعد از این دیدار، تا ۱۰سال با مصباح حرف نزده و به روایت دوم، فقط هاشمی با دلخوری منزل او را ترک کرده، تنها نکته مورد تایید هر دوطرف، حمایت هاشمی از مجاهدین اولیه است. حمایتی که البته بسیاری از روحانیون انقلابی پیش از انقلاب، در آن با هاشمی همراه بوده‌اند و حالا دفتر مصباح‌یزدی از آن با عنوان «حمایت از منافقین» یاد کرده است. اما آنچه که بیش از همه محل تامل به‌نظر می‌رسد، حساسیت سایت آیت‌الله مصباح و چهره‌های نزدیک به این روحانی سرشناس قم است. آنها هربار که خاطره‌ای از قول هاشمی درباره گذشته‌شان منتشر می‌شود، بلافاصله سعی می‌کنند با انتشار مطلبی که خاطره هاشمی را مورد تشکیک قرار می‌دهد، با او مقابله‌به‌مثل کنند. کاری که محمد هاشمی، برادر آیت‌الله هاشمی روز گذشته درباره علتش، به «تدبیر» گفته است: «در شرایط فعلی عده‌ای به‌دنبال میراث‌خواری انقلاب هستند و می‌خواهند از این خوان بهره‌ای به‌نفع خودشان ببرند. طبعا این افراد کسانی که سابقه‌ای در انقلاب دارند، با امام رابطه نزدیکی داشته‌اند و در جریان ریز مسایل هستند را مانعی برای خود می‌بینند. بنابراین سعی می‌کنند قصاص قبل از جنایت کنند. سعی می‌کنند خاطرات آیت‌الله هاشمی را زیر سوال ببرند که اگر روزی بیان شد، بگویند ما که گفتیم آقای هاشمی خاطرات مخدوشی دارد و قابل استناد نیست.»

فراخوان «انصار حزب‌الله» برای عضوگیری:

معابر را از لوث وجود مظاهر فسق پیراسته کنیم

شرق: ستاد اجرایی «انصار حزب‌الله» در ادامه تلاش‌های خود برای تداوم فعالیت گروه‌های سیار امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر یا همان گشت‌های موتورسوار در اطلاعیه‌ای ضمن تاکید بر ادامه تحرکات خود، دور دوم عضوگیری برای حضور در گشت‌های انصار را آغاز کرده است. بر این اساس متقاضیان برادر باید شعار «یا حسین» و خواهران متقاضی باید شعار «یا زینب» را به شماره ۳۰۰۰۵۶۹۲ پیامک کنند. این در حالی است که روح‌الله جمعه‌ای، رییس مرکز اطلاع‌رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور همچنان تاکید می‌کند که شخص وزیر و وزارت کشور همانطور که بارها اعلام کرده‌اند، هرگونه حرکت دسته‌جمعی بدون مجوز حتی به بهانه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را عین قانون‌شکنی می‌دانند. به گزارش «ایلنا»، با این حال ستاد اجرایی «انصار حزب‌الله» در اطلاعیه خود تاکید کرده است که «به دور از هرگونه پیچیدگی و فلسفه‌بافی به سبک مغلطه‌گران بی‌منطق یادشده این سوال مطرح است که کجای قانون امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر نیاز به اخذ مجوز داشته است؟! در ادامه این اطلاعیه آمده است: «حزب‌الله؛ مامور معذور نیست که برپاشدن گردوخاک مغلطه احیانا او را منفعل یا از صحنه به در کند. در راستای بند هفت به اطلاع مغلطه‌گران خیالباف می‌رساند که روز ۲۱ تیر که خار تجمع حزب‌الله در اعتراض به عملکرد رسانه ملی به چشم دشمنان فرو رفت، تنها به شعاردادن نگذشت. مطلع باشید که یکی از کارویژه‌های انصار از آن روز تاکنون جذب داوطلب برای فعالیت در گروه‌های سیار امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر بود تا به اذن و فضل الهی عمل به این فریضه را وسعت بخشیده و معابر را از لوث وجود مظاهر فسق پیراسته کنیم.» این اطلاعیه در پایان هم اعلام می‌کند که «از آنجا که کار سازماندهی افراد ثبت‌نامی در مرحله اول به پایان رسیده است از داوطلبان عضویت در گروه‌های سیار در مرحله دوم عضوگیری، می‌خواهد تا تمایل خود به عضویت را به صورت پیامکی اعلام کنند.»

باید آرامش جامعه را حفظ کرد

این در حالی است که هم وزارت کشور مخالفت خود را با هرگونه حرکت فاقد مجوز اعلام کرده و هم برخی از نمایندگان مجلس نسبت به این موضوع واکنش نشان داده‌اند به طوری که جواد جهانگیرزاده، نماینده ارومیه در مجلس و عضو کمیسیون رهروان ولایت در مورد اعلام «انصار حزب‌الله» مبنی بر حضورشان با چهارهزار نیرو در خیابان گفت: «جدل و نزاع بیهوده در شرایطی که کشور بیشتر از هر چیزی به آرامش نیاز دارد کاری ناشایست و به دور از منطق است.»

حرکت بدون مجوز برهم‌زدن امنیت داخلی است

از سوی دیگر کمیسیون امنیت‌ملی مجلس مخالف بی‌قانونی و برهم‌زدن امنیت‌عمومی است. بنابراین بهتر است این گروه‌ها دغدغه‌هایشان را قانونی رفع کنند.»نماینده ایلام در مجلس ادامه داد: «گشت‌های موسوم به «انصار حزب‌الله» در صورتی که بدون مجوز در سطح شهر فعالیت داشته باشند، امنیت داخلی کشور را برهم می‌زنند.»

دولت با هرگونه اقدام غیرقانونی و بدون مجوز در برخورد با بدحجابی مخالف است

روز گذشته سخنگوی دولت نیز در این رابطه گفت: «برخی، از روش‌های غیرفرهنگی و خشن استفاده می‌کنند که گاهی اوقات ممکن است از روی احساس مسوولیت و اعتقاداتشان باشد. آنها باید بدانند طی سال‌های گذشته این روش‌ها نه‌تنها موثر نبوده، بلکه این پدیده را در پاره‌ای موارد تشدید کرده است. البته اینگونه نیست که اکنون نسبت به گذشته با یک کار تشدیدیافته‌ای مواجه باشیم.» او افزود: «باید به این موضوع توجه کنیم که پدیده بدحجابی سال‌ها در کشور ما بوده و اگر امروز احساس کنیم یک پدیده حادی است و باید برخورد فیزیکی و تندی داشته باشیم و اعلام کنیم که هزینه‌اش را نیز تحمل می‌کنیم، برای کسی صورتحساب نمی‌آید، بلکه این هزینه برای اسلام خواهد بود.» سخنگوی دولت یادآور شد: «امروز متاسفانه عده‌ای در کشورهای همسایه به‌ویژه عراق تلاش می‌کنند که چهره‌ای خشن و غیرمنطقی از اسلام ارایه کنند که باید به آن توجه کنیم. به همه کسانی که می‌خواهند از سر دلسوزی با بدحجابی برخورد کنند، توصیه و دعوت می‌کنم که اگر برنامه‌ای در ارتباط با مسایل فرهنگی برای بهبود کار دارند، ارایه کنند.» نوبخت تصریح کرد: «دولت هیچ اقدام غیرقانونی و بدون مجوزی را در برخورد با بدحجابی تایید نمی‌کند، با آن مخالف است و دستگاه‌های ذی‌ربط هم باید در ارتباط با وظایف قانونی خود در این‌خصوص برخورد کنند.»

ادامه از صفحه اول

یک بام و دو هوا

آنان در اعلامیه‌ای که به مناسبت آغاز هزاره جدید تصویب کردند، اعلام داشتند از هیچ‌گونه تلاشی برای ارتقای دموکراسی و تحکیم دولت، مبتنی بر حقوق و نیز احترام به تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی شناخته‌شده در سطح بین‌الملل دریغ نخواهند کرد. سران کشورهای جهان برای نیل به این هدف‌ها از جمله، متعهد شدند حق مطلع‌شدن برای عموم را تامین کنند. اینگونه به دنبال اجلاس عالی مذکور و بر مبنای اعلامیه هزاره که از سوی سران کشورهای جهان انتشار یافت، این حق به عنوان یکی از عناصر دموکراسی شناخته شد. بدون تردید، ظهور تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، شرایط تحقق حقوق یادشده را سهل‌تر می‌کند. تحت‌تاثیر این تکنولوژی‌ها فاصله میان دولت‌ها و مردم کاهش می‌یابد و نه‌تنها، دولت‌ها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته اطلاعات را از مردم پنهان سازند، بلکه موظفند تا هرچه بیشتر شفاف عمل کنند. از این پس قاعده شفافیت عملکرد دولتمردان، یکی از ضوابط دولت‌های مبتنی بر حقوق، در جامعه اطلاعاتی به شمار می‌رود. این دولت‌ها ملزمند، از طریق اینترنت هرگونه اطلاعاتی را که به عملکرد مسوولان مربوط می‌شود چه در سطح ملی و چه در سطح محلی، به آگاهی مردم برسانند. طبیعی است مردمی که اطلاعات بیشتری در مورد امور عمومی دریافت کنند، مشارکت مستقیم‌تری نیز در اداره مملکت پیدا می‌کنند و در نتیجه، اصولی مانند حق مطلع‌شدن مردم، شفافیت فعالیت‌های دولت و حقوق شهروندی، در جامعه اطلاعاتی بیش از پیش تحقق می‌یابند.

نکاتی درباره «حجتیه»

«اللهم کن لولیک» گفتن این جماعت با «اللهم کن لولیک» یا «عجل لولیک الفرج» گفتن سیاسیون رادیکال جدیدالاسلام مضمونا متفاوت است و این دو نباید در فضای شبهه‌لفظ خلط شوند.

۲- خبرنگار محترم شرق پرسیده بود آیا وابستگی و قرابتی بین آقای احمدی‌نژاد و انجمن حجتیه وجود دارد؟ در مقام پاسخ، اینجانب وابستگی تشکیلاتی ایشان را مردود دانسته‌ام و هم‌اکنون نیز بر همین نظر استوارم، اما در توصیف روشن‌تر باید عرض کنم عموما علت و منشأ شبهه مذکور به استفاده مشترک از عبارت دعای «اللهم کل لولیک» برمی‌گردد که رییس‌جمهور محترم سابق نوعا از آن استفاده می‌کردند. این دعا چون نماد آشکار و صحیفه مطرح در دفتر فعالیت‌های انجمن بوده و هست، باعث شبهه وابستگی ایشان به انجمن شده است. معتقدم رویکرد آقای احمدی‌نژاد در بهره‌گیری از این دعا با دنیای اعتقادات اعضای انجمن متفاوت است و هیچ نسبتی با هم ندارد؛ توسل اول، توسلی سیاسی و ریشه در متن مرزبندی‌های حاکمیت دارد، در حالی که ابتنا و اعتنا و اعتقاد اعضای انجمن به دعای مذکور برگرفته از زلال مکتب و ناشی از التزام به مبانی و وجوه اعتقادی به موعود آخرالزمان است.

۳- در مصاحبه درج شده بود: «دولت موقت، آقای دکتر یزدی، به قراینی فردی به نام آقای فیاض را سرپرست در مرکز اسناد ساواک سابق قرار داده‌اند. واقع امر، این ارتباط و انتصاب قرین به صحت نیست. جناب آقای فیاض پس از دولت موقت، به آن مرکز رفته‌اند که به این وسیله عبارت خطای پیشین اصلاح می‌شود.

۴- در مصاحبه ذکر شده بود: «مواقعی بوده که از ناحیه چهره‌های انجمن تصمیمات غیرقابل‌دفاعی گرفته شده که منشأ گلایه و نقد انقلابیون بود، مثل قضیه جشن ۱۵شعبان۵۷ که حضرت‌امام گفتند امسال عید نداریم، اما انجمن عید گرفت... چنین رفتاری نوعی کج‌خلقی و مزاحمت بود.» واقع امر این است که انجمن حجتیه بنا بر احترام به رای و نظر حضرت‌امام، جشنی برپا نکرد و مخالفت خود را نیز طی بیانیه‌ای رسما اعلام کرد.

۵- در فرازی از گفت‌وگو آمده بود: «اگر حیات اجتماعی دکتریـن انجمن را پابرجا می‌بینیم، ناشی از عدم‌مخالفت روحانیون سنتی با آنهاست و البته آنها، به نوعی حامی این جریان بوده و هستند، یعنی یک حمایت دوسویه و احتمالا به‌خاطر این تکیه‌گاه سنتی است که هنوز رمقی در این جریان باقی است.»پیش‌تر در متن گفت‌وگو اشاره شده بود که ارکان وجودی انجمن روی سه پایه استوار است؛ اول مبارزه با بهاییت، دوم دوری از سیاست، سوم همسویی با مرجعیت سنتی دینی، منظور اینجانب از عبارت: «به‌خاطر این تکیه‌گاه سنتی است که هنوز رمقی در این جریان باقی است»، فروکاهیدن جنبه اعتقادی آنها نبوده، بلکه بیشتر معطوف به سیر میرای ساختار تشکیلاتی انجمن بوده است و جز این تصوری در ذهن گوینده نیست. عبارت بعدی در همین فراز که اشاره می‌کند: «والا با تحولات ۳۰ساله اخیر، صورتبندی‌های سیاست، آنقدر تغییر یافته که دیگر مقوله انجمن، وزنی در این معادلات ندارد»، روشن می‌کند که بنای گوینده، توجه‌دادن به جایگاه کمرنگ و بی‌رمق تشکیلاتی انجمن در منظومه سیاسی فعلی حکمرانی است. معتقدم درست نقطه مقابل کمرنگی تشکیلاتی انجمن، ظرفیت اعتقادی و توان ترویجی پیروان انجمن با قوت و عمق